

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۳۶

ولاء و راء (دوستی و دشمنی)



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

انسان مسلمان به مقتضای ایمان خود مؤظف است که،
دوستی و دشمنی را بخاطر خدا انجام دهد. او آنچه را که
خداوند می‌پسندد، پسند می‌کند و هر آنچه را که خداوند
نمی‌پسندد، پسند نمی‌کند، بدین ترتیب مسلمان بخاطر
محبت خدا و رسولش محبت می‌کند و بخاطر خدا و
رسولش، بغض می‌ورزد و در این شیوه عمل، به این حدیث
رسول اکرم صلی الله علیه وسلم استناد می‌کند: « مَنْ أَحَبَّ
لِلَّهِ، وَأَبْغَضَ لِلَّهِ، وَأَعْطَى لِلَّهِ، وَمَنْعَ لِلَّهِ فَقَدْ
اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ » « هر کس بخاطر خداوند دوستی کند و
بخاطر او دشمنی ورزد و برای خشنودی او چیزی یا از دادن
چیزی خودداری کند، ایمان در او تکمیل شده است. »
(ابوداود).

بنابر همین حدیث، مسلمان با تمام بندگان نیک و صالح
خداوند محبت می‌کند و با تمام بندگان فاسق، فاجر، کافر و
کلیه کسانی که پا را فراتر از حد و مرز قانون خداوند
می‌گذارند، عداوت و دشمنی دارد. البته این دوستی و
محبت فراگیر مسلمان نسبت به بندگان نیک و شایسته مانع
این نمی‌شود که مسلمان با بعضی از آنان بخاطر ویژگی‌های و
خصوصیات اخلاقی که دارند، اخوت و محبت بیشتری
داشته باشد تا با دیگران، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم
برای برگزیدن چنین دوستان و برادران تشویق کرده است:

می‌فرماید: « الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا
يُؤْلَفُ » (احمد، طبرانی و حاکم). « مؤمن محل الفت و
دوستی است، کسی که با دیگران دوستی نکند و دیگران با
وی دوستی نکنند، خالی از هر گونه خیر و خوبی است. »

تعریف ولاء و براء:

ولاء از مصدر ولی به معنی به او نزدیک شدن است و مراد از
ولاء اینجا نزدیکی به مسلمانان با دوست داشتن، کمک
کردن و یاری رساندن آنها بر دشمنانشان و با آنها زندگی
کردن است.

براء از مصدر بری به معنی قطع کردن است. بری القلم یعنی
قلم را شکست. و مراد از براء اینجا قطع رابطه با کفار بگونه
ای که آنها را دوست نداشته و یاری ندهد و در سرزمین آنها
مگر بر حسب ضرورت زندگی ننماید.

ولاء و براء از حقوق توحید است:

بر مسلمان واجب است که دوستی و دشمنی اش برای خدا
باشد به خاطر خداوند دوست داشته و به خاطر او از کسی
متنفر باشد. پس مسلمانان را دوست داشته باشد و آنها را
یاری کند و دشمن کافران باشد و از آنها متنفر و بیزار باشد
و از آنها دوری کند. الله تعالی در واجب بودن دوستی
مؤمنان می‌فرماید: « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۖ
وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْغَالِبُونَ » (مائده ۵۵-۵۶)

«ولی شما تنها خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند را ولی خود بداند، پس بدانید که حزب خدا همان پیروزمندانند»

و می فرماید: ﴿يَتَّخِذُ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ٥١﴾

«ای کسانی که ایمان آورده اید، یهود و نصاری را دوستان (خود) نگیرید، آنها دوستان یکدیگرند. هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید»

و می فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ٢٢﴾ (مجادله ۲۲)

«قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشد، کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشد، را دوست بدارند».

و این آیات کریم و بزرگوار واجب بودن دوستی مؤمنان را مشخص می کند و خیر و نیکی از آن حاصل می شود و دشمنی کردن کافران و دوری از دوستی با آنها واجب است و آنچه از دوستی به سوی آنها انجام می شود، شر و بدی است.

جایگاه ولاء و براء در دین ولاء و براء در اسلام جایگاه بزرگی دارند آن محکم کننده دستگیره ایمان است. که معنای آن محبت و الفت بین مسلمانان و دوری از دشمنان اسلام است. ابن عباس م روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می

فرماید: «أوثق عرى الإيمان الموالاة في الله والمعاداة في الله والحب في الله والبغض في الله» «محکم ترین دستگیره ایمان دوستی و دشمنی برای خدا و محبت و نفرت به خاطر اوست». (طبرانی در الکبیر ۱۱ / ۲۱۵)

محبتی که برای خشنودی خداوند باشد، مشروط است به اینکه هیچگونه رنگ و بوی دنیا و دلبستگی مادی در آن وجود نداشته باشد، یگانه و عامل آن ایمان به خدای بزرگ و برتر باشد، البته با کسانی این اخوت و دوستی اتخاذ شود که واجد شرایط زیر باشند:

۱- فرد مورد نظر باید، عاقل باشد، زیرا اخوت و دوستی با جاهل بی خرد نه اینکه خیری ندارد، بسا اوقات با ضرر و زیان نیز دارد.

۲- دارای اخلاق حسنه باشد، زیرا بداخلاق گرچه عاقل باشد، اما گاه وقتی مغلوب شهوت و محکوم خشم و غضب می گردد، در نتیجه در حق برادر دینی و دوستش بجای خوبی، بدی می کند.

۳- صاف و پاکدامن باشد، زیرا کسی که خارج از اطاعت و بندگی خداوند باشد، از او هیچگونه امنیتی انتظار نمی رود و ممکن است، در حق دوستش مرتکب خیانت شود و کمترین توجهی به آداب و سنن اخوت و دوستی نداشته

باشد، چون کسی که از خدا ترس نداشته باشد، از هیچ کس دیگر به هیچ وجه نمی ترسد.

۴- فرد مورد نظر برای اخوت ایمانی باید ملزم به رعایت کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد، از هرگونه بدعت و خرافات بدور باشد، زیرا اهل بدعت گاه وقتی دوستش را گرفتار بدعت می کند، شرعا نیز با این شخص مبتدع و اهل هوی باید قطع رابطه و بایکوت شود، و نباید با چنین فردی اخوت و دوستی برقرار نمود.

یکی از نیکان و بندگان شایسته الله، این آداب و سنن را طی وصیتی که برای فرزندش نوشته است، بطور مختصر و کوتاه

چنین بیان کرده است: ای فرزندم! روزی اگر به دوستی با دیگران نیاز پیدا کردی، کسی را برای دوستی و رفاقت برگزین که اگر برای او خدمتی انجام دادی، تو را مصون بدارد و اگر همراه او شدی، تو را زینت دهد، اگر تاوانی بگردن تو افتاد تو را یاری دهد، هرگاه دستت را برای طلب خیر بسوی او دراز کردی دست تو را بگیرد، اگر از تو نیکی بیند آن را فراموش نکند، اگر بدی بیند، جلو آن را بگیرد، صحبت کسی را اختیار کن که هرگاه از او سوال کنی، بدهد و اگر سکوت اختیار کنی او بدون سوال به سراغ نیازمندیهای تو بیاید، اگر مصیبتی بر تو وارد شود، تو را غمخواری کند، صحبت کسی را اختیار کن، هرگاه سخنی گفتی، سختت را باور کند اگر در مورد چیزی اختلاف پیدا کردید تو را بر خود ترجیح دهد.



حقوق دوستی و برادری در راه خدا:

اینها از جمله حقوق اخوت در راه خدا، هستند:

۱- مواساة و مساعدت مالی: هر گاه یکی از دو برادر دینی نیاز به مال پیدا کرد آن دیگری باید به یاری او بشتابد و چنین احساس کند که او در مال من شریک است. همانطور که از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است: شخصی نزد او آمد و گفت: می‌خواهم با تو بخاطر خدا پیمان اخوت و دوستی برقرار کنم، ابوهریره گفت: آیا می‌دانی حق این اخوت و برادری چیست؟ آن شخص گفت: خیر، ابوهریره گفت: اینکه تو در مال و درهم و دینار خود بیش از من، حق نداشته باشی، آن شخص گفت: هنوز من به این مرتبه نرسیده‌ام، ابوهریره گفت: پس برو.

۲- هر کدام معاون دیگری باشد، به نیازهای یکدیگر رسیدگی کنند و هر کدام سعی کند آن دیگر را بر خود مقدم بدارد، جویای احوال یکدیگر شوند، هر کدام آن دیگری را از اهل و فرزندان خود ترجیح دهد، حداکثر بعد از گذشت سه روز احوال یکدیگر را جویا شوند، در بیماری به عیادت یکدیگر بروند. در کارها یکدیگر را یاری دهند، در مورد کاری که باید انجام گیرد یکدیگر را یاد دهانی کنند، همدیگر را خوشامد گویند، در مجلس جا را برای یکدیگر باز کنند و به سخنان یکدیگر گوش فرا دهند.

۳- در حق یکدیگر سوای ذکر خیر سخن نگویند، چه در حضور و چه در غیاب از همدیگر بدگوئی نکنند، در پی کشف اسرار یکدیگر نباشند، در پی اطلاع از احوال شخصی و اسرار پنهان یکدیگر را نباشند، در امر به معروف و نهی از



منکر یکدیگر با ملاطفت و نرمی رفتار کنند، در گفتگو جدال نکنند و یکدیگر را نکوهش نکنند.

۴- هر کدام از زبان خود در حق دیگری همان سخنی را بگویند که او پسندد با بهترین نام‌ها و القاب یکدیگر را صدا کنند، در حضور و غیاب یکدیگر را به خوبی یاد کنند و صف و ستایش مردم را که در حق آنها شده است، به یکدیگر برسانند، هر کدام به حال آن دیگر غبطه کند و از شنیدن توصیفش خوشحال شود. در نصیح و خیر خواهی یکدیگر کوتاهی نکنند از نصیحت کردن در انظار عمومی پرهیزند. امام شافعی؛ می‌فرماید: هر کس برادرش را مخفیانه تذکر بدهد او را نصیحت کرده است و اگر آشکارا نصیحت کند او را رسوا معرفی کرده است.

۵- از لغزش‌ها بگذرند و از سخنان زشت یکدیگر چشم پوشی کنند، عیوب را پنهان نگاه دارند و نسبت به همدیگر حسن ظن داشته باشند، اگر یکی از آنان بصورت پیدا یا پنهان مرتکب خطا و معصیتی شود، دیگری بجای قطع رابطه منتظر توبه و برگشت او باشد.

اگر بر انجام معصیت مصر بود نخست او را پند و اندرز دهد اگر باز نیامد بر دوستی و محبتش با وی خاتمه دهد. حضرت ابودرداء رضی الله عنه می‌فرماید: هر گاه دوست و برادر تو تغییر پیدا کرد و راه خطا در پیش گرفت رهایش نکن، زیرا انسان چنین است گاهی کج می‌رود و گاهی راست.

۶- اخوت و برادری را همچنان تا دم موت باید ادامه داد، زیرا قطع رشته‌ی اخوت، اجر آن را به هدر می‌دهد، حتی بعد از مردن، اخوت و دوستی باید به فرزندان و دوستان منتقل گردد تا اخوت حفظ شده و ادامه پیدا کند. رسول



اکرم صلی الله علیه وسلم از پیرزنی که پیش او آمد، تقدیر کرد، بعضی‌ها معترض شدند، آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: او در روزگاری که خدیجه زنده بود نزد ما رفت و آمد می‌کرد و حفظ رابطه و وفا کردن به عهد از جمله امور دین است. (حاکم و حدیث صحیح است).

و نیز باید سعی کند که با دشمن دوست خود دوست نشود. امام شافعی؛ می‌فرماید: هر گاه دوست تو از دشمن تو اطاعت کند، گویا در دشمنی با تو هر دو شریک هستند.

۷- دوست و برادر دینی خود را مکلف به انجام کاری که برای او مشکل و دشوار باشد نکند، همچنین او را وادار به عملی که دوست ندارد ننماید، از وی، طالب مال و پست و مقام نشود و او را ملزم و مجبور به انجام کار نکند، زیرا این اخوت بر اساس خشنودی خداوند و در راه خدا پی ریزی شده است و شایسته نیست که در راه غیر خدا، مانند جلب منفعت مادی سوق داده شود، همانطور که دوستش را مکلف به این کارها نکند، خودش نیز این گونه کارها را برای وی انجام ندهد، زیرا این گونه اعمال، محل اخوت و موجب نقصان اجر و پاداش می‌گردد.

همچنین از برخورد تکلف‌آمیز با یکدیگر پرهیز کنند چنانکه در آثار نقل شده است: «من و متقیان امت من از هر گونه تکلف بدور و بری هستیم» و از بعضی از بزرگان نقل شده است: هر کس تکلف را کنار گذارد، الفت و دوستی‌اش جاودان خواهد بود، هر کس هزینه و نفقه‌اش اندک باشد، محبت و رفاقتش مستدام است. آثار و علائم بی‌تکلفی، که موجب انس و از بین رفتن وحشت خواهد بود عبارت‌اند از اینکه: انسان بتواند با برادر دینی‌اش راحت غذا

بخورد با او به خلوت نشیند، با هم نماز بخوانند در کنار یکدیگر استراحت کنند.

با این گونه رفتار، تکلف و تصنع از بین می‌رود، انس و الفت تقویت می‌شود و انبساط و شادمانی حاکم می‌گردد. ۸- همان دعای خیر که در حق خود، فرزندان و اعضای فامیلش می‌کند، در حق برادر دینی خود و فرزندان و فامیل او نیز بکند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: **«إِذَا دَعَا الرَّجُلُ لِأَخِيهِ بِخَيْرٍ قَالَ الْمَلَكُ: وَلَكَ مِثْلُ ذَلِكَ»** (مسلم). «هرگاه مسلمان غائبانه برای برادرش دعا کند، فرشته مستجاب الدعوه می‌گوید: برای تو نیز چنین شود»، بعضی از بزرگان گفته‌اند: چه کسی از نزدیکان می‌تواند با برادر دینی صالح و نیک برابری کند؟ فامیل و فرزندان، شخص بعد از مردن، میراث او را تقسیم می‌کنند و از آنچه مانده است بهره می‌برند اما برادر دینی و نیک تنها رنج رفتن او را می‌کشد و در فکر جبران حق وی بر می‌آید از اینرو همواره در تاریکی شب برای او دعا می‌کند و آموزش می‌طلبد، و او زیر خروارها خاک خفته و نهفته است.

تفاوت بین مداهنه و مدارا کردن و اثر آن بر ولاء و براء:

مداهنه یعنی ترک نمودن امر به معروف و نهی از منکر و نرمی و آسانی با کافران و گنهکاران به خاطر دنیا. با اینکار آنچه بر مسلمان از غیرت به خاطر دین واجب است زایل می‌شود. و مثال برای آن الفت و مهربانی با اهل گناه و کافران و رفت و آمد با آنها در حالیکه آنها بر گناه یا کفر هستند و با

اینکه قدرت آن را دارد آنها را انکار نمی‌نماید. الله تعالی می‌فرماید: **«لُعِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٧﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٨﴾ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا»** (مائده ۷۸-۸۰)
«از میان بنی اسرائیل آنان که کفر ورزیدند بر زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند این بدان خاطر بود که کفر ورزیدند و تجاوز نمودند. و از کار زشتی که مرتکب می‌شدند یکدیگر را باز نمی‌داشتند. آنچه می‌کردند کار بسیار بدی بود. بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیده اند دوستی میکنند».

مدارا کردن یعنی دفع شر و بدی با سخن نرم و ترک کردن غلظت و شدت یا اعراض و دروی از صاحب بدی هنگامی که ترس شر او می‌رود یا بزرگتر از آن حاصل می‌شود. مانند نرمی با جاهل در یادگیری علم، با فاسق در نهی از انجام کارش و ترک نمودن غلظت و تندى بر او و با سخن و کار نرم و آسان بر او انکار کردن است خصوصاً هنگامی که نیاز به مدارا کردن با او باشد. در حدیث عائشه ک آمده است که:

«أَنَّ رَجُلًا اسْتَأْذَنَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا رَأَهُ قَالَ يَنْسُ أَخُو الْعَشِيرَةِ وَيَنْسُ ابْنُ الْعَشِيرَةِ فَلَمَّا جَلَسَ تَطَلَّقَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَجْهِهِ وَانْبَسَطَ إِلَيْهِ فَلَمَّا انْطَلَقَ الرَّجُلُ قَالَتْ لَهُ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ حِينَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ قُلْتَ لَهُ كَذَا وَكَذَا ثُمَّ تَطَلَّقْتَ فِي وَجْهِهِ

وَأَنْبَسَطْتَ إِلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَائِشَةُ مَتَى عَهْدُتَنِي فَحَاشَا إِنْ شَرَّ النَّاسُ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ تَرَكَهُ النَّاسُ اتَّقَاءَ شَرِّهِ»

«یک نفر از پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه ورود خواست هنگامی که او را دید، فرمود: از بدترین مردان قبیله است هنگامی که داخل شد پیامبر صلی الله علیه وسلم با ملایمت با او صحبت کرد. وقتی که آن مرد رفت. عائشه گفت: ای رسول خدا آنگاه که آن مرد را دیدی گفתי چنین و چنان است ولی بعداً با ملایمت با او صحبت کردی؟ فرمود: ای عائشه چه وقت از من فحش و ناسزا دیده‌ای؟ همانا در روز قیامت بدترین مردم کسی است که مردم به خاطر محفوظ ماندن از شرش به او کاری نداشته باشند». بخاری (۶۰۳۲).
پس پیامبر صلی الله علیه وسلم با این مرد هنگامی که بر او داخل شد، بخاطر مصلحت دین با او مدارا نمود با اینکه آن مرد شری بود. این حدیث دلالت دارد بر اینکه مدارا کردن تضادی با دوستی کردن ندارد هنگامی که مصلحت و منفعت آن بیشتر باشد برای محفوظ ماندن از شر او یا برای الفت یا کم کردن شر می‌باشد. و این از راههای دعوت به سوی الله تعالی است. و از آن جمله مدارا نمودن پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به منافقین در مدینه از ترس شرشان و الفت با آنها و غیر آنها است.

و این بر خلاف مداهنه است و جایز نمی‌باشد زیرا هدف از نرمی کردن با اهل شر به خاطر مصلحت دینی نیست بلکه به خاطر دنیا می‌باشد.

نمونه هایی از ولاء و براء

الله تعالی در داستان ابراهیم؛ می فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ» (ممتحنه ۴)

«قطعاً برای شما در ابراهیم و کسانی که با او هستند سرمشقی نیکوست؛ آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید»

و خداوند در دوستی انصار نسبت به مهاجرین می فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَنَفْسِهِ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر ۹)

«کسانی که قبل از مهاجرین در مدینه جای گرفته و ایمان آورده اند هر کس را که به سوی آنها آمده دوست دارند و نسبت به آنچه به آنها داده شده است در دلهايشان حسدی نمی یابند و هر چند در خودشان احتیاجی باشد آنها را بر خودشان مقدم می دارند. و هر کس از بخیلی و حریصی نفس خود مصون ماند آنها هستند که رستگارانند.»

حکم دوستی با گنهکاران و بدعت گذاران:

هنگامی که در شخصی نیکی و بدی، اطاعت و معصیت، سنت و بدعت جمع شده است به اندازه خیر و نیکی که در وجود اوست او را دوست داشته و به اندازه شر و بدی با او دشمن باشیم. در شخص موجبات اکرام و اهانت جمع می شود مانند دزد فقیری که به خاطر دزدی دستش قطع می شود و به خاطر احتیاج و نیازش برای رفع آن از بیت المال به او کمک می شود. این اصلی است که اهل سنت و جماعت بر آن اتفاق دارند.

آیا معامله با کافران در امور دنیا داخل در دوستی می شود؟

نصوص صحیح بر جواز تعامل و همکاری با کافران در معاملات دنیوی مانند مسائل مربوط به خرید و فروش، اجاره کردن و اجاره دادن، و کمک کردن به آنها هنگام نیاز و ضرورت به شرطی که به اندازه رفع نیازشان باشد و به اسلام و مسلمانان ضرر نرساند، داده است. «فقد استأجر النبی صلی الله علیه وسلم عبد الله بن أریقط هادیاً خریئاً» «پیامبر صلی الله علیه وسلم عبدالله بن اریقط یهودی را به عنوان راهنمایی دانا اجاره نمود». بخاری (۲۲۶۳).

و پیامبر ص زره اش را نزد یهودی در قبال پیمانه ای از جو به رهن گذاشت. و علیس خودش برای یهودی شانزده سطل آب کشید که در قبال هر سطل یک سطل خرما به او بدهد. و پیامبر صلی الله علیه وسلم از یهودیان در مدینه در جنگ با مشرکین کمک خواست. و از قبیله خزاعه که ضد کافران قریش بودند، درخواست کمک نمود. و تمام اینها اثری بر ولاء و براء در حق الله تعالی ندارد در صورتیکه کافرانی که

در میان مسلمانان زندگی می کنند ملتزم به آداب معامله باشند و به سوی دیشان دعوت نکنند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.